

«تأثرات حافظ از قرآن»

بسمه تعالی

رب اشرح لی صدری و یسر لی امری واحلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی
خدایا بنام تو آغاز سخن میکنم و از کرم و لطف و رحمت تو یاری میجویم
ای خدای پاک و بی انباز و یبار دستگیر و جرم ما را در گذار
گر خطا گویم تو اصلاحش بکن مصلحی توای تو سلطان سخن
(مثنوی مولوی)

چند سال پیش با شماره دانشمندی محترم شرح و تفسیری عرفانه‌ی بیک غزل
شورناگیز حافظ شیراز که بمطلع : *ز تال جامع علوم انسانی*
در خرابلت مغان نور خدا می بینم وین عجب بین که چه نوری ز کجای بینم
شروع میشود نو شتم و با مختصر شرح حال و تحقیقی که در صنایع بدیعه دیوان
برفوحش کردم در هم آمیخته بخدمتش تقدیم داشتم و در صفحه ۵۵ آن رساله
کوچک با آوردن مجمل نمونه‌ای وعده کرده بودم که در نظر دارم بمحض حصول
امکان و فرصت باستخراج تلمیحات و اشارات قرآنی خواجه ادب پردازم و خوشبختانه
این کار ادبی بسیار خرد را بعین عنایت مورد توجه قرار دادند و نیک بتمجید و تحسینش
پرداختند و مصرأ از ناچیز خواستند که عهد خود را وفا کنم و وعده خود را بجای آورم

این ابراز لطفها و اظهار محبتهای بی شائبه آن عزیز بزرگوار و تشویق و ترغیب و مهر های لطف آمیز دیگر دوستان فاضل و دانشمند که بر کم و کیف آن وجیزه خطی اطلاع داشتند مراد در کار ادامه مطالعه و تحقیق استوارتر ساخت و موجب دلبری و دلگرمیم گردید تصمیم گرفتم که بموازات مطالعات خود قلم برگیرم و بتبیه و تدارك یادداشتها پردازم تا آنجا که در عرض مدتی کوتاه بتقریم رساله مختصر توفیق حاصل شد که به ترتیب عبارتند از :

- ۱ - شرح غزلی از حافظ با مختصر شرح و تحقیقی در دیوان پرفتوحش .
 - ۲ - شرح و حل مشکلات اشعار مقدمه منطق الطیر و استخراج تلمیحات قرآنی و حدیثی آن
 - ۳ - استخراج برخی از اصطلاحات و ترکیبات لفظی غزلیات سعدی شیراز
 - ۴ - یادداشتهایی در مسأله جبر و تفویض از نظر جلال الدین مولوی
 - ۵ - تأثرات حافظ از قرآن مجید
- رساله اخیر را بعنوان پایاننامه دوره تحصیلات عالیم نگاشتم که هم اکنون مجمل و ملخصی از آن بنظر تیزبین خوانندگان گرامی میرسد و از کیفیت تنظیم و تنسیق آن با شما صاحب نظران دانشمند و صاحبان ارجمند بحث میرود.
- چنانچه استحضار حاصل شد در رساله نخست وعده کرده بودم که در استخراج تلمیحات قرآنی دیوان عشق بیز خواجه ادب بکوشم و دوستان دانشمند و یاران صاحب‌دل نیز نگارنده را بادامه کار تشویق و ترغیب می کردند مدتها در این اندیشه بودم که آیا خواهم توانست بانجام و انجاز این وعده بزرگ پردازم ؟ و این سخن را جامه عمل بتن سازم ؟ تا اینکه توفیق و عنایت ربانی ذات حق جل جلاله شامل حال گردید و عشقی انجام آن بدلم شورید کمر همت بر میان بستم و از الطاف بی کران حضرت حق یاری و مدد جستم و دست بتدارك یادداشتها و ترتیب آنها یازیدم

بیشتر از شش ماه در تهیه این رساله و تنظیم مطالب نا بسامان و اوراق پریشش روزگار گذاردم و آنی از مجاهدت و کوشش و تحمل رنج و بی خوابی نیا سودم و از پای ننشستم راستش را بخواهید باینکه شاید بیشتر از ۱۸ سال بود که بسادیوان لسان الغیب آشنائی داشتم و لا اقل گه گاهی بعنوان تفال و استشارت و استخاره آنرا بزمیکردم و راز درون دل را از آن پاسخ مناسبی می یافتم و می شنیدم و نیز ظاهراً بیش از ۲۶ سال بود که با کتاب مقدس و معجزه آسای قران مأنوس و مالوف بودم و برای تسکین دل دردمند خویش بآیات باهره و شریفه اش استمساک می جستم و دست کم هر سال دوبار تمام آنرا میخواندم و میخوانم وقتی بتهیه مسوده رساله خود شروع میکردم ابتدا تصور مینمودم که شاید بیشتر از صد یا دوست بیت در تمام دیوان دل انگیز خواجه نخواهم یافت که در آنها تلمیحی ازقران بکار رفته باشد و پیش خود تاسف میخوردم که تمام این رساله بیش از ۵۰ یا صد صفحه نخواهد بود بقول خواجه عزیز :

چو عاشق میشدم گفتم که بردم گوهر مقصود ندانستم که این دریاچه موج خون نشان دارد
بس از شروع بکار با اهمیت کار خود و بیزرگی وعده که داده بودم پی بردم و دریافتم که تصادفاً در تمام ایات دلنشین دیوان شورانگیز خواجه ادب کمتر بیت و غزلی پیدا میشود و شاید تعداد آن از شماره انگشتان دست کمتر است که تأثیری ازقران مجید نداشته باشد .

حق نیز همین است که دیوان خواجه پراز تلمیحات و اشارات لطیف قرانی باشد زیرا خواجه عزیز که بمناسبت از برداشتن قران عظیم بحافظ تخلص کرده و آن کتاب معجزه آسا و مبارک را بقول خود در چهارده روایت از حفظ داشته :

عشقت رسد بفریاد گر خود بسان حافظ قران زبر بخوانی در چارده روایت
بقدری افکار بلند و اندیشه لطیفش در خلال آیات باهره و عبارات روح بخش

آن محصور و مندمج و محاط بوده که اصولاً نمی‌توانسته بهنگام سرودن غزل و تقریر هیجانانگیز ضمیر منبر و بیان احساسات زیبای خود از تحت تاثیر آن درآید و احیاناً سخنی گوید که اثری از معلومات قرآنی خود در آن نداشته باشد و بویی از آن کان و کانون عطر فرح بخش بمشام جان و دل اهل نظر و صاحبان دل نرساند و روان تشنه کام خداوندان معرفت و ارباب عشق و بصیرت را از آن چشمه زلال خیز و عین الحیات سیراب نسازد راستی در اثر رسوخ و نفوذ معنوی کلام دلنشین و دلنشان ربانی است که «شعر حافظ همه بیت الغزل معرفتست» ازین سخن برغم میل خود می‌گذرد و ادای حق مطلب را آنچنان که توانم نه آنچنان که هست بوقت دیگر موکول می‌کنم

سخن درین میرفت که من بنده با اهمیت و بزرگی کار خود چه از نظر کمیت و چه از نظر کیفیت بی‌بردم و لازم دیدم که در این کار هرچه بیشتر دقیق شوم و کاری مرتب و منظم انجام داده و پیش روم و تا سرحد امکان و هرز توانائی خود نگذارم موضوعی از نظرفوت شود و دقیقه و نکته‌ای از یاد رود تا غایت مقصود و نهایت منظور به‌حاصل آید اساس کار خود را بر روی دیوان مصحح بوسیله مرحومین علامه قزوینی و دکتر غنی قرار دادم از نخستین بیت آن شروع کردم و دیدم که «عشق آسان نمود اول و آسان شد مشکلها» بهر حال بیت آنرا مورد بررسی کامل و دقیق نهادم و هر جا که بویی از رایحه آیات کریمه می‌بردم بشماره صفحه و غزل و بیت در مسوده یادداشت می‌کردم و پس از مختصر توجیه و توضیحی که بتواند خواننده را در درک مفهوم بیت روشن نماید آیتی را که از آن اشاره رفته است بشماره آیه شریفه و سوره مبارکه که ثبت و ضبط نمودم و برای اینکه در استخراج و اختیار آنها دچار اشتباه و سهو و خطا نشوم با مطالعات چندساله که داشتم و قبلاً با استحضار رسید تاثرات خواجه را از قرآن طبقه‌بندی نموده و پنج دسته تقسیمش کردم بترتیبیکه هم اکنون از نظر تیزبین شما خوانندگان دانشمند می‌گذرد

۱ - تاثرات لفظی ۲ - تاثرات لفظی و مفهومی ۳ - تاثرات مفهومی ۴ - تاثرات شبه مفهومی ۵ - تاثرات کلی و اینک برای هر یک از تقسیمات ملاحظه فرمایید

مختصر توضیحی مثال و نمونه میآورم و شما صاحب نظران را باملخص و مجملی از اوراق پریشان و کار نابسامان و رساله و جیزه خود آشنا می سازم چشم آن دارم که بعین عنایت و لطف نظر کنید و از تقصیر و لغزشی که در تهیه و تدارک آن و از سهو و نسیانی که در تنسیق عبارات و تنظیمش بکار رفته بدیده جوانمردی و بزرگواری نگرسته و غمض عین فرمائید و اگر در راه اصلاح نظرانی دارید از راه لطف و کرم بنقدش پردازید (زیرا بنص صریح کتاب گلستان قافله سالار ادب و سخن سعدی شیراز متکلم را تا کسی عیب نگردد سخن صلاح پذیرد) و حقیر بی مایه را بیابا گاهانید و بالانتقاد خود برهن بنده منتهی عظیم نهید تا انشاء اله اگر امکان چاپ آن پیش آید از نظرات صاحب دلان صاحب کمال فایدهتی گیرم و از راهنماییهایشان بهره بردارم و در اصلاح و تجدید نظرش بصارتی یابم زیرا قدر مسلم اینست که هر نوشته دارای نقائص و معایبی است که تا مدتی بر نگارنده اش واضح و هویدا نیست بخصوص هنگامی که نویسنده اش در کمال نوشتن خام و مبتدی باشد - باری باصل سخن برگردم گفتار ما در آن بود که برای معرفی رساله خود نمونه و مثالی از تأثرات پنجگانه یاد شده میآورم :

اول تأثرات لفظی - آن نوع تلمیحات را نام گذاری شده که از مفهوم کلی بیت بنظر میرسد که خواجه در آوردن آن لفظ و کلمه و در طرز بکار برد آن از قرآن مجید متأثر است و اگر میخواستم تمام الفاظی را که عربی است و در قرآن بزرگواری و اشعار حافظ موجود است ملاک عمل قرار داده و تکیه بر روی آن کنم گمان می رود که کار بیهوده می بود زیرا خوانندگان حق داشتند که پیش خود بیندیشند از کجا معلوم که خواجه از زبان تازی اقتباس نکرده و از قرآن متأثر شده است و اینک چند نمونه درین قسمت عیناً از رساله موجود میآورم :

[صفحه ۸ غزل ۹ بیت ۱۰]

حافظا می خور و رندی کن و خوش باش ولی دام تزویر مکن چون دگران قرآن را

خواجه عزیز درین بیت اشارتی لطیف میکند باینکه خود معتقد قرآن مقدس بوده و آیات حکمت بار آنرا از ته دل و صمیم قلب ایمان دارد و ای بسابتلاوتش می پردازد و مورد بحث و تدقیقش قرار میدهد خطاب بخویشتن می گوید که تو باید بادیکران این فرق بزرگ را داشته باشی که قرآن دانی و قرآن خوانی را همچون ریاکاران خدا شناس وسیله تزویر قرار ندهی و بتظاهر و عوام فریبی و سالوس نه پردازی ناظر بدین مضمون اشعار و ایات دلربای دیگری نیز در سراسر دیوان می آورد که بموقع خود از آنها یاد خواهیم کرد [نقل از صفحه ۱۱ رساله]

[صفحه ۹ غزل ۱۰ بیت ۵]

روی خوبت آیتی از لطف بر ما کشف کرد زان زمان جز لطف و خوبی نیست در تفسیر ما
خواجه عاشق پیشه درین بیت با آوردن کلمات آیه و تفسیر مسلما از معلومات قرآنی خود متأثر شده است - [نقل از صفحه ۱۲ رساله]

[صفحه ۲۶ غزل ۳۶ بیت ۴]

زلف مشکین تو در گلشن فردوس عذار چیست طاوس که در باغ نعیم افتاد دست
خواجه ادب زلف محبوب خود را بطاوسی که در بهشت روی دوست بخرامیدن و چریدن و تنعم و گشتن مشغول است تشبیه می کند و خواننده دیوان پرفتوحش را بنزوق و عشق درمی آورد و دلهای حساس و عاشق پیشه را بنظاره و تماشا در آن روی و رخسار بهشت آساوا میدارد و آنان را بیاد آیه شریفه ۱۰۷ سوره مبارکه کهف و آیه ۱۱ سوره شریفه المومنون می اندازد «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات کانت لهم جنات الفردوس نزلا» آیه ۱۱ مومنون «الذین یرثون الفردوس هم فیها خالدون» و نیز آیه شریفه ۸۸ از سوره مبارکه واقعه بیاد می افتد: «فروح و ریحان و جنت نعیم» [نقل از صفحه ۳۵ - ۳۶ رساله]

[صفحه ۸ غزل ۱۰ بیت ۲]

مامریدان روی سوی قبله چون آریم چون روی سوی خانه خمار دارد پیر ما
حافظ عشمند و آرزومند وصال دوست درین بیت و بیت ما قبل آن که مطلع
غزل است : «دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیر ما چیست یاران طریقت بعد از
این تدبیر ما» اشاره بداستان معروف و مشهور شیخ صنعان سی کند (خواننده عزیز
می تواند برای اطلاع و آگاهی از داستان شیخ صنعان علاوه بر سایر منابع و مآخذ بکتاب
منطق الطیر شیخ عطار چاپ مطبعه جبل المتین صفحه ۷۰ مراجعه فرماید) وی در آوردن
کلمه قبله از قرآن مجید مخصوصاً آیه شریفه ۱۳۹ سوره مبارکه بقره متأثر است
آنجا که فرماید : «قد نرى قلب وجهك فى السماء فلنو لىنك قبله ترضىها فول وجهك
شطر المسجد الحرام و حیث ما كنتم فولوا و جوهكم شطره وان الذین اوتوا الكتاب
لیعلمون انه الحق من ربهم و ما للهِ بغافل عما یعملون»

[نقل از صفحه ۱۱ رساله]

[صفحه ۱۲ غزل ۳۰ بیت ۷]

حافظ هر آنکه عشق نورزید و وصل خواست احرام طوف کعبه دل بی وضو بیست
خواجه ادب می فرماید «ناه برده رنج گنج میسر نمیشود» بی زحمت و تحمل
رنج عشق بوصول حضرت دوست رسیدن امکان ندارد و مثل کسی که بدون تحمل
بار گران عشق و بدون ابتلاء بمشکلات طریقت انتظار وصال را دارد مثل کسی است
که بی وضو و طهارت بطواف کعبه پردازد که اجرش ضایع و عملش غیر مأجور است
وی در آوردن این تمثیل ظاهراً از آیه شریفه ۳۰ سوره مبارکه الحج متأثر شده است
«ثم لیقضوا تقصم و لیوفوا نذورهم و لیطوفوا بالبیة العتیق» و نیز درباره کلمه احرام
بآیات شریفه ۹۶، ۹۷ سوره مبارکه مائده مراجعه فرمائید که فرمود : «یا ایها الذین
آمنوا لا تقتلوا الصید و انتم حرم و من قتلها منکم متعمداً فجاء مثل ما قتل من النعم
یحکم به ذوا عدل منکم هدیاً بالغ الکعبه او کفارة طعام مساکین او عدل ذلك صیاما

لیذوق و بال امره عفا لله عما سلف و من عاد فینتقم الله منه والله عزیز ذوانتقام» «احل
لکم صید البحر و طعامه متاعاً لکم و المسیارة و حرم علیکم صید البر ما دمتم حرماً و اتقوا الله
الذی الیه تحشرون» و راجع بکلامه وضو بصفحه ۱۸ غزل ۲۴ بیت ۲ مراجعه شود
[نقل از صفحه ۳۱ رساله]

[صفحه ۵۴ غزل ۷۷ بیت ۸]

چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری سرشت شیوه جنات تجری تحتها الانهار داشت
حافظ عزیز علو طبع و همت بلند خود را حتی در خلال تشبیهات و استعارات
لفظی و معنوی هم بخواننده ارجمندش ارائه میدهد وی عاشق کریم النفس عالی همتی
است که در عین اینکه مقام معشوق را بالای برد دوشادوش آن رتبه عاشق را نیز
ترقی میدهد او بر عکس دیگران در مقابل معشوق و در برابر محبوب خود را بذات و
خواری نسبت نمی دهد و بیستی نمی گراید بلکه می کوشد همچنان که محبوب را
می ستاید خود را نیز پاک و بی آرایش و عالی جلوه دهد چه تشبیهی زیباتر و بلیغتر
برای چشم گریبان در فراق یار ازین شعر خواجه توان یافت در موضوع تأثر خواجه بآیه
شریفه ۱۰۱ سوره مبارکه توبه مراجعه فرمائید که فرمود: «السابقون الاولون من
من المهاجرین و الانصار و الذین اتبعوهم باحسان رضی الله عنهم و رضوا عنه و اعد
لهم جنات تجری تحتها الانهار خالدین فیها ابداً ذلك الفوز العظيم»

[نقل از صفحه ۷۴ رساله]

دوم تاثرات لفظی و مفهومی - درین قسمت از اشعاری بحث می شود که مفاهیم ابیات
بامفاهیم آیات شریفه قرآن یکی بوده و از الفاظ و کلمات مبارکه آیات حکیمه هم در خلال
عبارت ابیات آورده شده است بعنوان نمونه چند فقره از آنها را عیناً می آوریم:
[صفحه ۱۳ غزل ۱۵ بیت ۷]

دوراست سر آب ازین بادیه هشدار تاغول بیابان نفریبد بسراپت

خواجه رند عاشق پیشه از گمراهی دردشت غم انگیز عشق میترسد و خواننده با ذوق خود را نیز از خطر گمراهی درین بادیه می ترساند و آگاه می سازد و میگوید تا وصول بسر چشمه وصال راهی بلند در پیش است و حرامیان در کمین مبادا که غول بیابان بر خطر عشق و دیو آزمند نفس دست بدست هم دهند و در اضلالت بکوشند تا بر خود بیابالی و گمان کنی که عملی عاشق وار بجا آورده و بر کردار و عمل خود غره شوی و آنرا بچیزی شماری و در خور حضرتش پنداری درین صورت مثل تو هم چون مثل آن کافر باشد که قرآن بزرگوار در حقیقت فرماید : آیه ۳۹ سوره مبارکه نور «والذین کفروا اعمالهم کسراب بقیعة یحسبہ الظمان ماء حتی اذا جاءه ام یجدہ شیئاً و وجد الله عنده فوفیه والله سریع الحساب» کلمه سراب در بار در قرآن مجید آمده یکبار هم در آیه شریفه ۲۰ سوره مبارکه النباء گرچه مربوط بموضوع بحث نیست برای مزید فایده می آورم : «وسیرت الجبال فکانت سراباً»

[صفحه ۱۵ غزل ۱۹ بیت ۲]

شب تار است وزه وادی ایمن در پیش آتش طور کجا موعده دیدار کجاست
حافظ عزیز در بیابان بالاخیز محبت و عشق راه وادی وصال را در پیش می بیند
و دل با آتش شوق وصال دوست که بزودی بآن خواهد رسید روشن و خوش می سازد
و با بیت شیوا و نغز خود ما را بیاد آیه شریفه ۱۲ سوره مبارکه طه می اندازد :
«انی انار بک فاخلع نعلیک انک بالواد المقدس طوی» و نیز آیه ۳۰ از سوره مبارکه
قصص : «فلما اتیها نودی من شاطئی الواد الایمن فی البقعه المبارکة من شجرة ان
یاموسی انی انالله رب العالمین»

نقل از صفحه ۱۹ رساله]

[صفحه ۶۵ غزل ۹۴ بیت ۶]

درین شب سیاهم گم گشت راه مقصود از گوشه برون آی ای کوکب هدایت

خواجه عشقمند و آرزومند وصال دوست درین بیت و نغز و لطیف، خصوصاً با آوردن «کوکب هدایت» حال خود را در طی طریق معرفت و محبت بحال حضرت ابراهیم علی نبینا و علیه السلام تشبیه میکند و می گوید از خدا می طلبم همچنانکه حضرت ابراهیم را بوسیله کوکبی بسوی خود هدایت فرمود مرا هم دست گیرد و هدایت فرماید قرآن مقدس در حال حضرت ابراهیم علیه السلام در آیه شریفه ۷۶ سوره مبارکه انعام می فرماید: «فلما جن علیه الليل را کوکبا قال هذا ربی فلما افل قال لا احب الا فلین» بآیات حکیمه بعدش مراجعه فرمائید تا چگونگی هدایت را دریابید و نیز آیه شریفه ۹۷ سوره مبارکه انعام را شاید در نظر داشته است: «وهو الذی جعل لکم النجوم لتبهتوا بها فی ظلمات البر والبحر قد فصلنا الايات لقوم یعلمون» درین صورت تأثر مفهومی محسوب می شود

نقل از صفحه ۸۷ رساله]

[صفحه ۵۰ غزل ۷۱ بیت ۲

در طریقت هر چه پیش سالک آید خیر است در صراط مستقیم ایدل کسی گمراه نیست
خواجه بزرگوار بر سر آنست که سالکین طریقت را یباً گماهند که در طریق طلب باید از غم و رنج دم نزد هر چه را که پیش می آید عین خوشی و کمال سعادت دانست چه طریقت عشق و آئین محبت و مذهب عرفان صراط مستقیم مطلوب است که منسلکین خود را با سائترین و راحت ترین وجه بمحبوب میرساند و در تشبیه طریقت بصراط مستقیم از افکار بلند و عالی اسلام و اصطلاح قرآن عزیز متأثر است و خواننده را بآیه شریفه ۲۶ سوره مبارکه انعام مذکر است: «وهذا صراط ربك مستقیماً»
قد فصلنا الايات لقوم یذکرون»

نقل از صفحه ۶۹ رساله]

[صفحه ۶۳ غزل ۹۱ بیت ۴

گر بایدم شدن سوی هاروت بابلی صدگونه جادویی بکنم تا بیارمت
خواجه ادب در عشق دوست همیشه پایدار و برای وصول بیار بهر کاری متشبث

است و برای اینکه از وصال محبوب گریزبای برخوردار شود حتی از توسل بجا
دوئی هم ابا ندارد و بلکه دست یازیدن را خود بدین عمل منهی هم بالصراحة اذعان
دارد او درین بیت لطیف اشاره بدستان هاروت و ماروت می کند و ما را بیاد آیه
شریفه ۹۶ سوره مبارکه بقره می اندازد: «واتبعوا ما تنزلوا علی ملک سلیمان
وما کفر سلیمان ولکن الشیاطین کفروا یعلمون الناس سحر وما انزل علی الملکین
ببابل هاروت وماروت وما یعلمان من احد حتی یقولوا انما نحن فتنه فلا تکفروا فیتعلمون
منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجته و ما هم بضارین به من احد الا باذن الله
یتعلمون ما یضرهم ولا ینفعهم ولقد علموا لمن اشتراه ماله فی الآخرة من خلاق ولبس
ماشروا به انفسهم لو کانون یعلمون»

[نقل از صفحه ۸۴ رساله]

[صفحه ۷۴ غزل ۱۰۸ بیت ۵]

نه بتنها حیوانات و نباتات و جماد هر چه در عالم امرست بفرمان توباد
خواجه ادب و حافظ عشقمند درین بیت آرزوی دل پر عشق خود را که تنها
برای خاطر معشوق در سینه نورانش می طپد بیان میکند و میگوید آرزویم اینست که نه تنها
هوایدسه گانه در تحت امر تو باشند بلکه تمام آنچه که در عالم امکان و جهان
امر وجود دارد در زیر فرمان تو باشد وی در آوردن عالم امر ظاهراً از آیه شریفه
۸۷ سوره مبارکه اسراء متاثر است «یسئلونک عن الروح قل الروح من امر ربی وما
اوتیتم من العلم الا قلیلاً» و نیز آیه ۸۲ سوره مبارکه یس «انما امره اذا اراد شیئاً ان
یقول له کن فیکون» و توضیحاً باید اضافه کرد که عالم امر در عرف دین مقدس

[نقل از صفحه ۹۱ رساله]

اسلام مصطلح و معروف است

[صفحه ۸۱ غزل ۱۱۹ بیت ۶]

ز سر غیب کس آگاه نیست قصه بخوان کدام محرم دل ره درین حرم دارد
حافظ عزیز درین بیت دل انگیز خود می گوید که کسی با سر از غیب آگاهی
ندارد و از پس پرده غیب خبردار نیست و کسی را یارای ره داشتن درین حرم نباشد

وی در سرودن این بیت بلیغ از آیه شریفه ۶۶ سوره مبارکه النمل متأثر است که فرمود «قل لا یعلم من فی السموات والارض الغیب الا الله وما یشعرون» و آیه شریفه ۵۹ سوره مبارکه انعام: «وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو و یعلم ما فی البر والبحر وما تسقط من ورقه الا یعلمها و لاحیه فی ظلمات لارض ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین»

نقل از صفحه ۹۴ رساله]

سوم تأثرات مفهومی - آن چنان تأثرات را گفته شده است که مفهوم بیت با مفهوم یکی از آیات شریفه قران بزرگوار منطبق بوده باشد بعنوان نمونه و مثال چند فقره از آنها را عیناً نقل می‌کنم:

[صفحه ۲ غزل ۳ بیت ۵

من از آن حسن روزافزون که یوسف داشتم دانستم

که عشق از پرده عصمت بسرون آرد زلیخا را

لطف بیان و عذوبت سخن خواجه درین غزل تا حدی پیش رفته که از سرحد

امکان سحر بیان هم در گذشته بی‌جهت نیست که در مقطع غزل خویش می‌گوید:

«غزل گفتمی و در سفتی بیا و خوش بخوان حافظ که بر نظم تو افشاند فلک عقد ثریار»

خواجه رندوش بهنگام سرودن این بیت لطیف بیاد عشق و محبت دو عاشق و معشوق

تاریخی افتاده و از عجز و التماس عاشق در برابر حسن روزافزون معشوق یعنی یوسف

عزیز مصرانیت می‌برد و آیات شریفه ۲۳-۲۴ سوره مبارکه یوسف را از خلال کلمات

شیرین این بیت شیوا بخواننده عزیز خود بازگو می‌کند: «وراودته الی هو فی

بیتها عن نفسه و غلقت الابواب و قالت هیت لك قال معاد الله انه ربی احسن مثوای انه

لا یفلح الظالمون» «ولقد همت به وهم بها لولا ان رأی برهان ربه كذلك لنصرف عنه

السوء و الفحشاء انه من عبادنا المخلصین»

نقل از صفحه ۳ رساله]

[صفحه ۹ غزل ۱۱ بیت ۲

هرگز نمیرودد آنکه داش زنده شد بعشق ثبت است بر جریده عالم دوام ما
 خواجه ادب با بیانی شیوا و گفتاری زیبا ماجرای عاشقان و عاقبت کار عشق
 و رزان را درین بیت نغز بیان کرده و وعده میدهد که هرگز عفریت و اهریمن و حشت
 زای مرگ یارای آنرا ندارد که بر پیکر عشاق و شوریدگان عشق حقیقی دست یابد
 و رشته حیات ناگسستنی دل باختگان را قطع کند چه عشق واقعی و مهر حقیقی آن
 سوز و شعله ایست که بر کانون دل گرم محبان پیوسته و مدام زبانه می کشد و آن
 آتشی نیست که گردش ایام و گذشت روزگار بتواند آنرا سرد کرده و بکشد وی
 این مژده و بشارت نوید بخش را از آیه ۱۶۳ سوره شریفه آل عمران بدست آورده است
 آنجا که فرماید: « ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم
 یرزقون »
 [نقل از صفحه ۷ رساله]

[صفحه ۵ غزل ۵ بیت ۷]

در کوی نیک نامی ما را گذر ندادند گرتو نمی پسندی تغییر کن قضارا
 حافظ شیرین سخن خوش نامی و نیک نامی را که نتیجه حاصله قطعی و مسلم
 هدایت یافتن است بسته به مشیت حکیمانانه و عادلانه پروردگار بزرگ دانسته و میفرماید
 ورود بدین حریم حرم را بهر کس و نا کس آزاد نکرند و اگر تو نهی پسندی و اگر میتوانی
 قضارا تغییر کن و تقدیر را در گون گردان وی شاید بوقت سرودن این بیت بآیه
 شریفه ۵۶ سوره مبارکه قصص نظر داشته است:

« انك لا تهتدى من اجبت ولكن الله يهدي من يشاء وهو اعلم بالمهتدين »

[نقل از صفحه ۶-۷ رساله]

[صفحه ۶ غزل ۶ بیت ۷]

بخدا که جرعه ده توبه حافظ سحر خیز که دعای صبحگاهی اثری کند شمارا
 خواجه سحر خیز است و شاید این سحر خیزی را از سر آمدعارفان جهان و مراد

دل عاشقان و شاه مردان حضرت امیرالمؤمنان علیه السلام که فرمود «با کرتسعد» یاد گرفته است وی که عاشق جمال و کمال حضرت دوست است دعای صبحگاهی خود را مؤثر می داند و در مصراع دوم ظاهراً آیه ۸۰ سوره مبارکه اسراء را بنخاطر می آورد که فرمود :

«اقم الصلوة لدلوك الشمس الى غسق الليل وقران الفجر ان قران الفجر كان مشهوداً»
نقل از صفحه ۸ رساله]

[صفحه ۸ غزل ۱۰ بیت ۹

ماه کنعانی من مسند مصر آن توشد وقت آنست که بدرود کنی زندان را

حافظ بزرگوار معشوق ویا بقول بعضیها ممدوح خود را در زیبایی و کمال یوسف عزیز مصر که نمونه و نشانه زیبایی بوده و مثال اعلاى حسن و دلبری است تشبیه کرده است و قصه حضرت یوسف علی نبینا وعلیه السلام را باجمال برگوش دل شنونده و خواننده خود فرو میخواند و آیات شریفه ۵۰-۵۴-۵۵-۵۶ سوره مبارکه یوسف را ازقران مجید بیاد میآورد : «وقال الملك ائتونی به استخلصه لنفسی فلما كلمه قال انك اليوم لدنیا مکین امین» «قال اجعلنی علی خزائن الارض انی حفیظ علیم» «و کذاک مکننا لیوسف فی الارض یتبوا منها حیث یشاء نصیب برحمتنا من نشاء ولا نصیع اجر المحسنین»
نقل از صفحه ۸ رساله]

[صفحه ۱۳ غزل ۱۶ بیت ۲

نبود نقش دو عالم که رنگ الفت بود زمانه طرح محبت نه این زمان انداخت

خواجه نظر بازعاشق پیشه این همه انس و الفت و بالاخره محبت و عشق و ورزی را که با معشوق شوخ شیرین کار خود دارد زائیده جهان مادی نمیداند و اساس و پایه یکرنگی را درعالم بی رنگی که بزبان و عرف ادیان عالم الستش خوانند میجوید و میداند و بمعشوق فتانش بزبان حال می گوید :

«اینهمه مهر و فائی که میان من و تست یا خود آوردم از آنجانه بخود بر بستم»
 و در تالیف قلوب و ازلی بودن آن ما را بیاد آیات شریفه آتی الذکر می اندازد که
 فرمود: آیه شریفه ۱۷۱ سوره مبارکه اعراف «واذا اخذ ربك من بنی آدم من
 ظهورهم ذریتهم و اشهدهم علی انفسهم الست بر بکم قالوا بلی شهدنا ان تقولوا یوم
 القيمة انا كنا عن هذا غافلین» و نیز شاید آیه ۶۵ سوره مبارکه انفال را نظر داشته
 است: «والف بین قلوبهم لوانفقت ما فی الارض جمیعا ما الفت بین قلوبهم و لکن الله
 الف بینهم انه عزیز حکیم» و آیه ۹۸ سوره مبارکه آل عمران را توجه فرمائید

[نقل از صفحه ۱۶ رساله]

چهارم تأثرات شبه مفهومی - آن نوع تأثراتی را نام گذاری شده است که
 مفهوم بیت با مفهوم یکی از آیات کریمه قرآن مجید تشبیه حاصل کرده و یا لا اقل
 احتمال چنین تأثری داده شود بعنوان نمونه و مثال چند فقره از آنها عیناً یاد میشود:
 [صفحه ۲ غزل ۲ بیت ۳]

چه نسبتست برندی صلاح و تقوی را سماع و عـظ کجا نغمه رباب کجا

حافظ عزیز و بزرگوار درین بیت شیوا و شیرین خود بمقایسه پرداخته رندی
 و صلاح و تقوی را در میزان عدالت شعار آفرینش بر دو کفه برابر هم میگذارد و بذوق
 سلیم و طبع عاشق و ش خوبش آنها را بمقیاس عشق توزین می کند و سماع و عـظ و
 نغمه رباب را بادل پراز عشق و محبت خود از هم جدا می سازد و شاید با اتکاء بر رحمت
 پروردگار جهان رندی و نغمه رباب را بر آند دیگریها امتیاز میدهد و مسلماً صلاح و
 تقوی و وعظ آمیخته بریا و مزورانه را در برابر رندی و نغمه مهر بیز رباب سخت
 ناچیز و پست می شمارد و اظهار بی زاری و نفرت از آنگونه تظاهرات و عوام فریبی ها
 می کند از نظر مقایسه شاید آیه شریفه ۱۷۲ سوره مبارکه رعد را در نظر داشته که
 فرماید: «هل یستوی الاعمی والبصیرام هل تستوی الظلمات والنور» و نیز آیه شریفه

۳۴ سوره مبارکه فصاحت «لا تستوی الحسنه ولا السيئة ادفع بالتي هي احسن» و مخصوصاً با توجه باینکه خواجه در استعمال لغات و الفاظ فرق عادت گذشتگان را کرده و در بکار برد آنها اطلاق عنادی بخرج میدهد بدین معنی که مرادش از کلمه «رندی» پاکدامنی و شرافت و منظورش از صلاح و تقوی ریاکاری و تزویر است شاید درین مقایسه آیه شریفه ۱۸ سوره مبارکه سجده را در نظر داشته که می فرماید «افمن كان موثنا كمن كان فاسقاً لا يستون» بشأن نزول و تفسیر آن مراجعه فرمائید [نفل از صفحه ۲ رساله]

[صفحه ۴۴ غزل ۶۳ بیت ۵]

عاشق که شد که یار بحالش نظر نکرد از خواجه در دنیست و گرنه طیب هست حافظ بزرگوار شیرین سخن حقیقه در تاویل و توجیه آیات شریفه و معجزه آسای قران مقدس و عزیز اعجاز میکند تا جائیکه خواننده با ذوق را دچار بهت و حیرت می نماید وی درین بیت شیوای خود باحنی خاص که از فقط شایسته است بآیه پر بشارت و مفرح ۱۸۲ سوره مبارکه بقره اشاره لطیف می کند و آنرا بخواننده پر ذوق خود القاء می نماید: «واذا سئلتك عني فاني قريب اجيب دعوة الداع اذا دعان فليستجبوا لي وليؤمنوا بي لعلمهم يرشدون»

[نفل از صفحه ۶۲ رساله]

ستم از غمزه می آموز که در مذهب عشق هر عمل اجری و هر کرده جزائی دارد خواجه ادب بازبان عاشقانه و بابیان بیدلانه معشوق شوخ شیرین کار خود را بلطف و مهربانی ورزیدن دعوت می کند و می گوید که در مذهب عشق و آئین بلا بار محبت برای هر عمل اجری و برای هر کرده جزائی در پی و در کار است وی در سرودن مصراع دوم این بیت شیوا ظاهرا از آیه شریفه ۸۴ سوره مبارکه قصص متأثر است که فرمود: «من جاء بالحسنة فله خير منها و من جاء بالسيئة فلا يجزي الذين

عملوا السیئات الا ما كانوا یعلمون» نقل از صفحه ۹۵ رساله]

[صفحه ۹۳ غزل ۱۶۳ بیت ۷

مشکل عشق نه در حوصله دانش ماست حل این نکته بدین فکر خطا نتوان کرد

خواججه رند و عاشق پیشه با این بیت شیوا و رسای خود بهمه عالم و جهان
و جهانیان اعلام می فرماید که انسان با اینهمه قدرت و نیروئی که دارد و با اینهمه
ادعائی که درباره علم و دانش و هنر و معرفت بخود دارد باید اعتراف کند که حوصله
دانشش بسیار تنگ و کوچک است و کوچکتر از آنست که بتواند مشکل عظیم عشق
را بعلم و دانش مختصر خود حل نماید وی با سرودن این بیت ما را بیاد آید شریفه
۸۷ سوره مبارکه اسراء می اندازد که فرمود: «ویسئلونک عن الروح قل الروح من
امر ربی وما اوتیتم من العلم الا قلیلاً» نقل از صفحه ۱۰۰ رساله]

(نوضیحاً علاوه می نماید که تأثرات شبه مفهومی بسیار کم بکار زفته است و
درک و استخراج آنها هم درخور کمال دقت و تدبیر است)

پنجم تأثرات کلی - آن قسم تأثراتی را نامیده شده است که مفهوم بیت
با افکار عالی و بی نظیر قرآن و با عرف اسلامی کاملاً مطابقت دارد ولی برای تعیین
تأثرات نمی توان یک آیه را منحصر و یا چند آیه را از یک سوره درین موضوع محل
تأثر نشان داد بلکه برای تعیین محل آن باید آیاتی مختلف از سوره قرآن را ذکر
کرد و سپس آنها را بهم تلفیق داد بعنوان نمونه و مثال چند فقره از آنها عیناً
آورده میشود:

[صفحه ۳۶ غزل ۵۱ ایات ۳-۴

ساروان رخت بدر و از ممبر کان سر کو شاه راهیست که منزاگه دلدار منست

بنده طالع خویشم که درین قحط وفا عشق آن اولی سرمست خریدار منست

خواججه ادب در سرودن این دو بیت عشق بیز مسلماً از محفوظات ذهنی خود

(که بیشتر آن از قران کریم است) متأثر گردیده است و بقدری در تاثرات قرانی و مطالب عشقی و مفاهیم شاعرانه آمیختگی بکار برده که خواننده را در وهله اول مجال و فرصت درك آن نمی دهد که بداند خواجه عزیز در انشاء این دوبیت چگونه از قران بزرگوار کریم متأثر شده است ولی پس از امعان نظر دقیق و مطالعه توأم با موشکافی و دقت عمیق در مطلب کاملاً مساله روشن می شود خواننده گرامی اگر داستان عشق انگیز و ماجرای حیرت آور و پر ذوق و جذبه حضرت یوسف علی نبینا علیه السلام را در سوره شریفه یوسف که «احسن القصص» قران است بدقت خوانده باشد در خواهد یافت که حضرت یعقوب علیه السلام بهنگام قحطی و غلا در کنعان فرزندان خود را که در جمعیت کاروانی برای اخذ و تحصیل غله و آذوقه بشهر مصر می رفتند چگونه سپارش می کند که از يك دروازه وارد نشوند بلکه از دروازه های مختلف وارد شوند تا از چشم زخم مردم مصورمانند و از عزیز مصر درخواست کمک و استمداد نمایند و نیز در همان سوره شریفه می فرماید که وی همیشه و همه وقت در انتظار ورود یوسف عزیز خود بوده و بفرزندان و آشنایان خود که در قحط و غلا و بی غذایی می سوختند چگونه از سوز عشق خود در فراق یوسف سخن می گفت با در نظر گرفتن این موضوعات توجه فرمائید خواجه در تنسیق و تنظیم کلام خود از قبیل آوردن : دروازه - شاه راه - منزلگه دیدار - قحط وفا - عشق لولی - خریدار من آیا متأثر از داستان شورانگیز و دل گداز یوسف عزیز نبوده است ؟

[نقل از صفحه ۴۹ رساله]

[صفحه ۴۰ غزل ۵۶ بیت ۲۱]

فقر ظاهر مین که حافظ را سینه گنجینه محبت اوست

خواجه ادب فقر ظاهری خود را بگنجینه عظیمی که در صندوق سینم دارد مستور می نماید و با آنهم ناداری مادی باین همم دارائی معنوی خود می نازد وی

دردیگر اشعار و ابیات لطیف خود سینه بلاکش خود را محل گنجینه بی پایان یعنی قران بزرگوار قلمدار کرده می گوید . «قرانی که اندر سینه داری» بعید بنظر نمی رسد که حافظ عزیز با آنهمه لطف بیان و تعییرات ظریف و لطیفی که دارد مرادش از «گنجینه محبت» قران با عظمت باشد [نقل از صفحه ۵۵ رساله]

[صفحه ۴۹ غزل ۶۹ بیت ۱۲]

ای چنگ فرور برده بخون دل حافظ فکرت مگر از غیرت قران و خدا نیست

خواجه بزرگوار را دلی پر عشق و بردوق و سری پر شور و پروجداست که در آن جز خدا چیزی و کسی منزل نگرفته است و اگر گویند که درین دل پاك است که قران با عظمت محفوظ و عشق حضرت دوست مالا مال است باز هم حق اینست که گفته شود جز خدا در آن دل بی آرایش چیزی وجود ندارد چه عشق و قران نیز پرتوی از رخ زیبا و صورت بی صورت اوست که لازم و ملازم هم اند همچنانکه نور بی تشعشع نتواند بود جمال یار هم بی عشق نتواند بود [نقل از صفحه ۶۷ رساله]

[صفحه ۵۹ غزل ۸۵ بیت ۳]

بس که ما فاتحه و حرزیمانی خواندیم گاه علوم انسانی و زپیش سوره اخلاص دمیدیم و برفت خواجه شورید سر درین بیت شیوای خود از مسافرت ممدوح سخن بمیان می آورد و در آن از سوره های مبارکه فاتحه الکتاب و توحید یا اخلاص یاد می کند چنانچه از اخبار و احادیث اسلامی و مخصوصاً خاندان پاك و مطهر حضرت نبوت برمی آید برای اینکه مسافری بسلامت و خوشی از سفر خود باز گردد و دیده با زماندگان را روشن گرداند دستور داده اند که از بی آن سوره اخلاص یعنی توحید بخوانند و بدمند و نیز برای حفظ او از حوادث سوء و پیش آمدهای ناگوار امر کرده اند که سوره فاتحه الکتاب و حرزیمانی خوانند خواجه هم درین بیت لطیف خود همان دستورها و اوامر عالی و مهم را برای خواننده دیوان پرفتوحش یادآوری می نماید

(حرزیمانی ادعیه چند است حضرت رسول صلی الله علیه و سلم حضرت علی کرم الله وجهه را بوقت سفریمن تلقین و تعلیم فرموده بودندغیاث اللغات) نقل از صفحه ۸۰ رساله [صفحه ۸۷ غزل ۱۲۷ بیت ۱۰

حافظ اگر سجده تو کرد مکن میب کافر عشق ای صنم گناه ندارد

خواجه ادب درین بیت دل انگیز و نغز خود خطاب به معشوق بی همتای خود می گوید اگر من عاشق دلمخسته و گرفتار تو بتو سجده میآورم و ترا از جان و دل می پرستم مورد ملامت و سرزنش قرار مده چه جز تو صنم و بتی زیبا برای پرستیدن ندارم در این گفتار بیدلانه خود از قرآن مجید و افکار عالی و عرف اسلامی ماثر گردیده است و کلمات سجده - کافر - صنم از مصطلحات اسلامی و قرآنی است توضیح اینکه کلمه صنم در قرآن مجید بصورت جمع آن «اصنام» بارها بکار رفته است

[نقل از صفحه ۹۶ رساله]

این بود نمونه بسیار مجمل و موجزی بوجه نهایت اختصار از جلد اول رساله که در آن تاغزل شماره ۲۰۰ دیوان شورانگیز لسان الغیب تحقیق و تتبع بعمل آمده نگارنده بيمقدار بانهایت شوق و غایت ذوق علاقه دارد که در استخراج بقیه تلمیحات و اشارات قرآنی دیوان فیض بخش و روح نواز خواجه ادب بکوشد و هم اکنون درین زمینه بادامه مطالعه و تهیه و تدارک یادداشتها و تنظیم و ترتیب آنها مجاهدت می ورزد امید است که بتوفیق پروردگار بزرگ و یکتای جهان که در تمام مراحل عمرش الطاف بی پایان و مراحم بی کران و فوق تصور و انتظارش را همیشه شامل حال بنده مقصرش گردانیده است و بنده حقیر و ناچیزش بتقصیر اداء شکرش در نهایت عجز و ناتوانی اعتراف و چشم عفو و بخشش دارد بتواند هر چه زودتر این کار را بنحو مطلوب پایان رساند و انجام دهد و جلد دوم آنرا نیز برای مطالعه علاقمندان آماده دارد انشاء الله تعالی .